

۵۰ تعزیه در ماه رمضان

در گذشته، سینما، تلویزیون و رادیو نبود. به همین خاطر تعزیه خوانی بسیار رونق داشت و در طول سال مراسم مختلفی برگزار می شد. مردم هم بسیار استقبال می کردند و برای دیدن تعزیه مشتاق بودند، زیرا تنها سرگرمی شان بود. در یک ماه رمضان ۵۰ برنامه اجرا کردیم که به طور متوسط هر شب دو یا سه مجلس می رفتیم. مراسم آن قدر با استقبال روبه روی شد که معمولاً یک یا چند ریش سفید، مأموریت راهنمایی مردم و حفظ نظم محیط برگزاری تعزیه را برعهده داشتند.

روشن اجرا

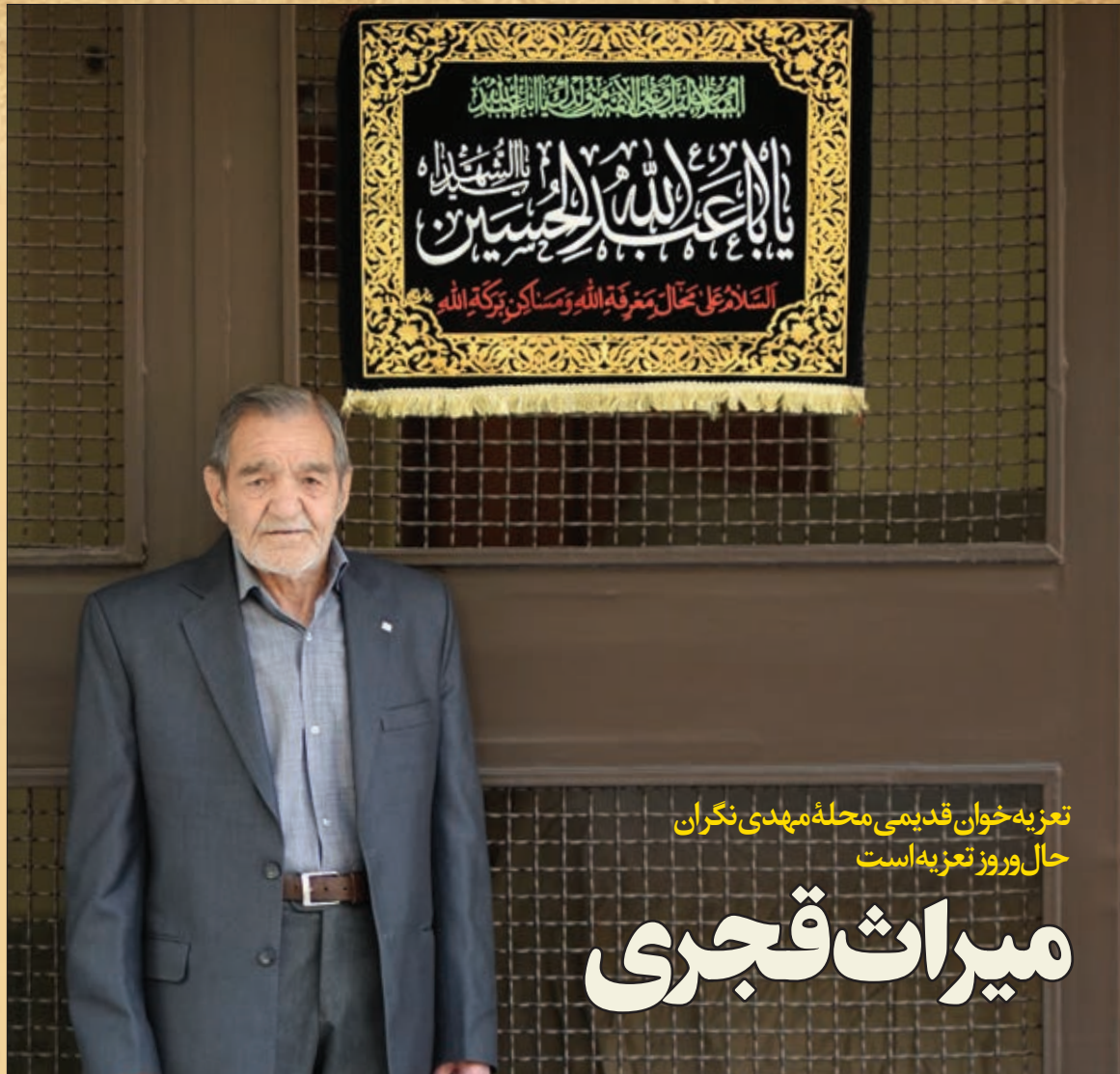
اگر بخواهم به تاریخ تعزیه اشاره کنم، باید بگویم که تعزیه از جمله هنرهای خودجوش مردمی است. تعزیه های مشهد در مکان هایی مشخص اجرا می شد یا در تکیه گاه های که بدین منظور ساخته می شد و دارای سکوهایی دایره ای بزرگی بود که می توانستی اسب را روی آن حرکت دهی. گاهی نیز در حیاط منازل که بزرگ بود، تعزیه به طور معمول با به اجرا در آمدن پیش خوانی نمایش مجلس اصلی آغاز می شود. کسی را که تعزیه را برپا می کند، «پانی» و گرداننده آن را «تعزیه گردان»، «ناظم البکا» یا «معین البکا» و بازیگران آن را «تعزیه خوان» یا «شبیخ خوان» می نامند. به طور معمول فرد آن قدر مطالب نقش خود را می گفت که آن ها را از حفظ بود اما اگر بازیگری بود که تازه وارد این کار شده بود یا نقش تازه ای به او داده بودند و هنوز از حفظ نشده بود، مطالب را در کاغذی که به آن «فرد» می گفتند، می نوشتند و از رویش می خواند. در تعزیه، بازیگران خردسال را تعزیه گردان راهنمایی می کرد تا به خوبی بتوانند نقش شان را اجرا کنند.

نقش زنان را هم مردان بازی می کنند که در این حالت به آن ها «زن خوان» می گویند. این بازیگران برای اینکه نقش خود را بهتر اجرا کنند، معمولاً نقاب به چهره می زدند. گاهی نیز برای بهتر شدن بازی نقش زنان، از پسران نوجوان کارآمخته استفاده می شود.

شبیخ خوانان در اجرای هر مجلس به طور معمول دودسته اند: اولیاخوان و اشقیابخان. شبیخ خوان هایی که نقش اولیا و یاری دهندگان دین را بازی می کنند، اولیاخوان، مظلوم و انبیابخان نامیده می شوند و کسانی که نقش اشقیاء و دین ستیزان را بازی می کنند، اشقیابخان یا ظالم خوان اند. اولیاخوان ها سخنان خود را موزون و خطابه ای بیان می کنند، اما اشقیابخان ها سخنان خود را ناموزون و معمولی و در پاره ای از موارد، تمسخرآمیز بیان می کنند. اولیاخوان ها جامه سبز یا سیاه بر تن می کنند و اشقیابخان ها لباس سرخ.

مراحل تعزیه خوانی

در گذشته هیئت ها و تعزیه خوان ها را در محله ها استعدادیابی می کردند و هر کس



تعزیه خوان قدیمی محله مهدی نگران
حال و روز تعزیه است

میراث قجری

گرفت و با خودش برد که در تعزیه شرکت کنیم. با آنکه تا قبل از آن تمرینی نکرده بودم، بیشتر تعزیه ها را حفظ بودم.

رونق تعزیه

آن زمان که تعزیه خوانی را شروع کردم، تعزیه مانند الان تنها به محرم محدود نبود، بلکه سه یا چهار شب در هفته در نقاط مختلف شهر اجرا می شد و این هنر رونق فراوانی داشت؛ به عنوان مثال شب های پنجشنبه در منزل بیات مختاری، شب های چهارشنبه مجلسی در منزل حبیب آشبز، شب های سه شنبه مجلسی به سرپرستی مرحوم رستمیان و شب های دوشنبه مجلسی به سرپرستی احمدی (معروف به ماشاء...) برگزار می شد. شب هایی که در بالاخیابان مجلس داشتیم، به محض اتمام مجلسمان، درشکه منتظرمان بود تا ما را به پایین خیابان ببرد و گاهی علاوه بر این مجالس که به طور دائم در طول سال اجرا می شد، فرد دیگری هم در خواست اجرای تعزیه در منزلش را داشت که با همان لباس ها به مجلس بعدی می رفتیم و حتی فرصت تعویض لباس هایمان هم نبود.

ساعتی را با این تعزیه خوان قدیمی هم محله مان که نسخه های دوره قجری را دارد، هم کلام شدیم تا بیشتر از این هنر آیینی بدانیم.

همسایگی پربرکت

متولد رشتخوار تربت حیدریه هستم و بعد از فوت پدرم به اتفاق مادر و خواهرانم به مشهد آمدم و در یکی از محلات قدیمی ساکن شدیم. در همسایگی ما فردی به نام بیات مختاری بود که دهه اول محرم را در منزلش تعزیه خوانی می کرد. برای من که تا آن زمان چنین چیزی را ندیده بودم، بسیار جالب و دیدنی بود. شب ها که مراسم شروع می شد، به خانه شان می رفتم و کمک می کردم. چای می ریختم و در ضمن حواسم به تعزیه خوان ها هم بود که چه می خوانند و چگونه حرکت می کنند. بعد از تمام شدن مراسم آنچه به ذهن سپرده بودم، زمزمه می کردم. چنان در نقشی که ایفا می کردم، غرق بودم که متوجه نبودم اطرافیانم مرا زیر نظر دارند. ده سالم بود که همسایه مان پیشنهاد داد نقش سکینه را در تعزیه به عهده بگیرم و به اصطلاح سکینه خوان باشم. از مادرم اجازه ام را

سمیرا منشنادی - «محمد امین دیانی» یکی از تعزیه خوان های قدیمی شهرمان، بیش از ۷۰ سال است که تعزیه خوانی می کند و از ده سالگی در این هنر ایفای نقش کرده است.

او این روزها به دلیل بیماری آسمش، دیگر نمی تواند مانند گذشته در تعزیه خوانی نقشی را به عهده داشته باشد، اما عشق به تعزیه نگذاشته است که لحظه ای از این هنر آیینی دور بماند. حالا او در سمت کارگردان تعزیه فعالیت می کند. این پیر تعزیه خوان، تعزیه را یک هنر اصیل ایرانی می داند و آن را مانند تئاتر، پویا می خواند که هنر در آن موج می زند. او معتقد است: «پویایی این هنر اصیل ایرانی به دلیل بی توجهی و نبود حمایت جدی، شاید دارد نفس های آخر خود را می کشد. برخلاف تئاتر که برگرفته از غرب است، تعزیه به عنوان یک هنر اصیل و منحصر به فرد ایرانی، از دل مردم این سرزمین برآمده است و باید در حفظش کوشا بود.»

هنگامی که با او هم کلام می شویم، از روز و روزگاری می گوید که مردم برف ها را پارو می کردند و صحنه را برای اجرا آماده تا تعزیه خوان ها بیایند و به اجرا بپردازند، اما این روزها نسل جدید با این هنر غریبه اند.



چنان در نقشی که ایفا می کردم، غرق بودم که متوجه نبودم اطرافیانم مرا زیر نظر دارند. ده سالم بود که همسایه مان پیشنهاد داد نقش سکینه را در تعزیه به عهده بگیرم و به اصطلاح سکینه خوان باشم. از مادرم اجازه ام را گرفت و با خودش برد که در تعزیه شرکت کنیم